

## مدل سازی مشارکت مردمی مناطق حاشیه نشین در برنامه ریزی های توسعه شهری

ژילה قزوینه<sup>۱</sup>، بی تا حامد<sup>۲</sup>، شهر گراندی<sup>۳</sup><sup>۱</sup> سازمان جهاد دانشگاهی کرمانشاه / ACECR/ Email: zhila\_ghazvineh@yahoo.com<sup>۲</sup> سازمان جهاد دانشگاهی کرمانشاه / ACECR/ Email: bitahamed@gmail.com<sup>۳</sup> دانشگاه رازی کرمانشاه، E-mail: sh\_garavandi@yahoo.com

## چکیده

توجه به مشارکت در دهه های اخیر همواره مورد توجه صاحب نظران اجتماعی بوده است. مشارکت بین نهادهای دولتی و مدنی بیانگر آگاهی و مسوولیت پذیری شهروندان نسبت به سرنوشت خودشان و نبود فرهنگ آمریت است. مشارکت مدنی موجب انسجام نیروهای مردمی و توانمندی آن ها می شود. بر این اساس در این مقاله قصد بر آن است راهکارهای مشارکت مردمی زنان محله جعفرآباد کرمانشاه مورد بررسی قرار گیرد. جامعه آماری تمامی زنان ساکن در محله بودند. روش مطالعه کیفی و موردی است. روش نمونه گیری، هدفمند و از نوع زنجیره ای بود. به منظور گردآوری داده ها از مصاحبه ی عمیق استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل تئوری بنیانی استفاده شد. یافته های به دست آمده از مصاحبه، ۴۱ مفهوم کلیدی بود. در نهایت به تناسب جملات و بار معنایی موجود در هر دسته، ۴ مفهوم توزیع عادلانه امکانات در شهر، ایجاد انگیزه مشارکت در شهروندان، پاک سازی و نظافت محله، ایجاد امنیت در محله استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت.

## واژه های کلیدی

مشارکت مردمی، حاشیه نشین، زنان جعفر آباد، کرمانشاه

## مقدمه

در دنیای امروز با پیچیدگی جوامع لزوم همکاری و مشارکت بین نهادهای دولتی و مدنی در قالب انجمن های داوطلبانه مشاهده می شود. افزایش جمعیت، گسترش شهرها و مهاجرت روستاییان به شهرها و سکنی گزیدن آنان در مناطق حاشیه ی شهر با مسایل و مشکلاتی همراه است. به منظور توسعه و رونق شهرها، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، ایجاد عدالت و دموکراسی و بالا بردن امنیت مناطق، مشارکت های مردمی مورد توجه مسوولان قرار گیرد. زنان از جمله گروه های مهم اجتماعی هستند که سهم ناچیزی در مشارکت اجتماعی دارند. در این میان سیاست گذاری های عمومی تا حدود زیادی بر نرخ پایین مشارکت زنان تاثیرگذار بوده است. این کاهش نرخ مشارکت در شهرهای کوچک تر و مناطق حاشیه ای نمود بیشتری دارد. آن چه در این مقاله بدان پرداخته می شود بررسی

راهکارهایی است که مشارکت زنان را در مناطق حاشیه نشین ترغیب نموده و بتواند مدلی از آن ارائه نماید.

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه، باشگاه ها، اتحادیه ها و گروه هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و در قالب سیاست های اجتماعی، مشارکت مردم در فرایندهای اجتماعی مختلفی را هدف خود می دانند [۱].

از منظر جامعه شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است [۲]. اصطلاح مشارکت را آلن بیرو به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف کرده است [۳]. به نظر سلیمه عمر، مشارکت، مداخله و نظارت مردم قابلیت سیاسی- اجتماعی نظام را در دست یابی به توسعه همراه با عدالت اجتماعی بیشتر بالا خواهد برد [۴]. تایلور و مکنزی مشارکت را به عنوان نیل به اهدافشان می بیند [۵]. به نظر آلموند و پاول فعالیت های مشارکت جوانه آن دسته از فعالیت هایی است که شهروند معمولی می کوشد از راه آن ها بر روی سیاست گذاری اعمال نفوذ کند [۶]. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربردارنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری مربوط به امور عمومی است [۷]. کنش اجتماعی مشارکتی، به طور گسترده مستلزم دارا بودن قدرت جمعی و مشترک توسط افراد ذینفع است [۸]. سعدالدین ابراهیم از بیشینه سازی مشارکت جمعی سازمان یافته اختیاری در عرصه عمومی بین افراد و دولت به عنوان جامعه مدنی یاد می کند [۹].

تعدد و گستردگی سازمان های محلی و غیردولتی در یک جامعه، شاخص و گویای وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود [۱۰]. مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی نزدیکی بسیار دارد زیرا مشارکتی است که از متن جامعه بر آمده و عرصه های مختلف حیات اجتماعی را در برمی گیرد. چنین مشارکتی در برنامه های عمران اجتماعی بخصوص در سطح روستاها جایگاه ویژه ای دارد که غفلت از آن و فراهم نساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره گیری مناسب از آن برنامه های عمران اجتماعی را در سطوح مختلف دچار مشکل و نارسایی می کند [۱۱]. علاوه بر آن در